بسم الله الرحمن الرحيم

١٨٧٨٦٤

دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

سوررئالیسم درداستان های صادق هدایت و غلامحسین ساعدی

استاد راهنما:

دکتر رحیم کوشش شبستری

پژوهشگر:

تقیه زنگنه

زمستان ۱۳۸۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
IRANDOC
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

۱۵۷۵۶۴

۱۳۹۰/۳/۵

دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه خانم تمنا رنگانه به تاریخ ۸۹/۱۱/۲۰ شماره .....

تحت عنوان بررسی تالیم در داستان های .....

مورد پذیرش هیأت محترم داوران با رتبه عالی و نمره نوزده و ۱۹ (۱۹/-) قرار گرفت.

۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر رحیم نوذری

۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه: —

۳- داور خارجی: دکتر محمد امین عبیدی نیا

۴- داور داخلی: دکتر محمدحسین خان محمدی

۵- استاد مشاور: — ۱۳۹۰/۳/۵

۶- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر بهمن نوهبر

(حق طبع و نشر محتوای پایان نامه برای دانشگاه ارومیه محفوظ است)

تقدیم به

پدرم، به مثنوی روشن آغوشش

مادرم و غزلواره های قلب سپیدش

به اطلسی آبی لبخندهای خواهران و برادرم

وتقدیم به آینه روح او که رفت و یادش در قلبم همیشه آغوش می گشاید.

تقدیر و تشکر

از خدای مهربان و خوبم تشکر می کنم از او که به من آموخته است که چشم هایم را فانوس راههای ناهموار قرار بدهم از او که آغوش گرم نامش به من توکل آموخته است. از او که «لانکن لی نفسی طرفه عین ابدا» به من آموخت، از او که همیشه همیشه همیشه دوستش دارم.

از او که آموختن را پیش از پدرم به من آموخت، از او که واژه ها را پیش از مادرم برایم ادا کرد و دستهای گرم نوازش گرش مرا به راه واداشت. دوستش دارم و فریاد سپاسگذاریم را برایش هوار می کشم.

از مادرم که قلبش جایگاه فرشتگان کوچکی است که همیشه برایم پرمی گشایند، از پدرم که واژه ادبیات را سلیس و محکم ادا کرد تا پاسش بدارم، از استادراهنمای عزیزم دکتر کوشش به پاس لبخندها و صبوری های همیشگیش، از داوران محترمم دکتر عبیدی نیا و دکتر خان محمدی و از استاد خوبم دکترنزهت.

از خواهرم حمیده ، به پاس زحمت های بی دریغش و از دوستان عزیزم خانم بهار کاظمی،گلاویژجلالی، لاله فلی پور، فاطمه الماسی، اکرم اسماعیل زاده، مهدیه آقاجان پور، زینب پیری، آقای رضا منصوری، مهندس مهدی غنی دل، آقای فرجی مسئول محترم کتابخانه دانشکده ادبیات، آقای دکتر چمنکار استاد محترم گروه تاریخ(معلم دوران کودکیم)، مسئولین محترم مرکز اسناد ملی کشور، کتابخانه تخصصی ادبیات قم، کتابخانه دانشگاه اراک کتابخانه عمومی شهید بهشتی برازجان،کتابخانه عمومی بوشهر، کتابخانه دانشگاه تبریز، کتابخانه دانشگاه علامه طباطبایی، کتابخانه دانشگاه آزادمهاباد، کتابخانه دانشگاه آزاد بوشهر، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه ارومیه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصـــل اول	۱
کلیـات	۱
۱-۱- مقدمـــه	۱
۱-۲- هدف تحقیـق	۲
۱-۳- بیان مســئله	۳
۱-۴-فرضـــیه هـــا	۳
۱-۵-پیشـــینه تحقیـق	۳
۱-۶-روش تحقیـــق	۴
۱-۷- مشکل تحقیـق	۴
۱-۸-معرفی سوررئالیســم	۵
۱-۹- شخصیت پردازی در آثار سوررئالیســم	۱۰
فصـــل دوم	۱۵
هـدایت	۱۵
۲- ۱- معرفی صادق هدایت	۱۵
۲-۲- برش عمودی آثار هدایت	۱۸
۲-۲-۱-زبان هـدایت	۱۸
۲-۲-۲- بدبینی هدایت	۲۰
۲-۲-۳- یأس و ناامیدی در آثار هدایت	۲۰
۲-۲-۴- طنز در آثار صادق هدایت	۲۱
۲-۲-۵- مسخ درآثار هـدایت	۲۲
۲-۲-۶- قهرمان هـا	۲۳
فصل ســوم	۲۴
برش افقی آثار هدایت(تحلیل داستان های هدایت)	۲۴
۳-۱- بوف کـور	۲۴
۳-۱-۲- روایت کلی داستان	۲۴

۳-۱-۳- قهرمان بوف کور..... ۲۶
۳-۱-٤- زمان و مکان..... ۲۹
۳-۱-٥- اشیاء سوررئالیستی..... ۳۱
۳-۱-٦- شعرگونگی..... ۳۳
۳-۱-۷- امرشگفت وجادو..... ۳٤
۳-۱-۸- رؤیا..... ۳٥
۳-۱-۹- طنز..... ۳۷
۳-۱-۱۰- تضاد..... ۳۹
۳-۱-۱۱- مسخ..... ۳۹
۳-۱- ۱۲- زاویه دید در بوف کور..... ٤۰
۳-۲- سه قطره خون..... ٤۰
۳-۲-۱- بحث..... ٤۳
۳-۲-۲- موضوع..... ٤٤
۳-۲-۳- حلقه ارتباط اول..... ٤٥
۳-۲-٤- حلقه ارتباط دوم..... ٤٦
۳-۲-٥- زمان ومکان..... ٤۷
۳-۲-٦- شخصیت ها..... ٤۸
۳-۲-۷- دیوانگی..... ٥۱
۳-۲-۸- وسواس..... ٥۲
۳-۲-۹- طنز..... ٥۳
۳-۲-۱۰- تضادها و کشمکش درونی..... ٥٤
۳-۲-۱۱- تک گویی درونی..... ٥٥
۳-۲-۱۲- درونمایه..... ٥٥
۳-۳- نقد کوتاه روانشناسی بر آثار هدایت..... ٥٦
۳-۳-۱- جنون..... ٥٦
۳-۳-۲- دلهره..... ٦۲
۳-۳-۳- ناخن جویدن..... ٦٤
۳-۳-٤- خودکشی..... ٦٤
۳-۳-٥-زنده به گور..... ٦٤

۳-۳-۶-مالیخولیـا..... ۶۵
۳-۳-۷-مرگ اندیشـی..... ۶۸
۳-۴- نقد اسطوره شناختی بوف کـور..... ۶۸
۳-۴-۱- نقاشی به سبک هنـدی..... ۷۰
۳-۴-۲-گل نیلـوفر..... ۷۰
۳-۴-۳- تناسـخ ارواح..... ۷۲
۳-۴-۴- رودخانـه..... ۷۳
۳-۴-۵- چشـم هـا..... ۷۳
۳-۴-۶- ایزد آب هـا..... ۷۶
۳-۴-۷- مارنـاگ..... ۷۷
۳-۴-۸- شـراب..... ۷۷
۳-۴-۹- بررسی اسطوره شناختی واژه بوف کـور..... ۷۷
۳-۴-۱۰- سـایه و همـزاد..... ۷۹
۳-۵- یارن و مرشن در آثار هـدایت..... ۸۰
۳-۵-۱- اصطلاحات بـومی..... ۸۱
۳-۵-۲- داسـتان آب زنـدگی..... ۸۲
۳-۶- داستان کاتیـا..... ۸۳
۳-۷- شعر گـونگی..... ۸۴
فصـل چهـارم..... ۸۶
سـاعدی..... ۸۶
۴-۱- ساعدی در بوته انتقـاد..... ۸۶
۴-۱-۱- زبان آثـار سـاعدی..... ۸۶
۴-۱-۲- آثـار سـاعدی..... ۸۷
۴-۲- رئالیسم جادویی سـاعدی..... ۹۰
۴-۳- دنیای داستان های سـاعدی..... ۹۲
۴-۴- مسخ در آثار سـاعدی..... ۹۲
فصـل پـنجم..... ۹۳
سوررئالیسم در داستان هـای سـاعدی..... ۹۳
۵-۱- مجموعه عزاداران بیل..... ۹۳

۵-۱-۱-۱- کشمکش..... ۹۷
۵-۱-۲- قصه پنجم..... ۹۷
۵-۱-۳- قصه ششم..... ۹۸
۵-۱-٤- قصه هفتم..... ۹۹
۵-۱- ۵- قصه هشتم..... ۱۰۱
۵-۱- ٦- طنز..... ۱۰٤
۵-۲- داستان گدا..... ۱۰٦
۵-۳-داستان تب..... ۱۰۷
۵-٤- داستان آرامش در حضور دیگران..... ۱۰۸
۵-۵-داستان دوبرادر..... ۱۱۰
۵-۵-۱- تکرار..... ۱۱۱
۵-٦- داستان سعادت نامه..... ۱۱۲
۵-۷- داستان چتر..... ۱۱۳
۵-۸- شعر گونگی..... ۱۱٤
۵-۹- داستان خواب های پدرم..... ۱۱۵
۵-۱۰- مجموعه گور و گهواره..... ۱۱۷
۵-۱۰-۱- داستان زنبورک خانه..... ۱۱۷
۵-۱۰-۱-۱ جنون..... ۱۱۸
۵-۱۰-۱-۲ سوررئالیسم..... ۱۱۸
۵-۱۰-۲- داستان آشغالدونی..... ۱۱۹
۵-۱۰-۲-۱-جنون..... ۱۱۹
۵-۱۰-۳- داستان گور و گهواره..... ۱۲۰
۵-۱۰-۳-۱- درون مایه..... ۱۲۱
۵-۱۱- مجموعه آشفته حالان بیدار بخت..... ۱۲۱
۵-۱۱-۱- داستان شنبه شروع شد..... ۱۲۱
۵-۱۱-۲- داستان آشفته حالان بیدار بخت..... ۱۲٤
۵-۱۱-۳- داستان بازی تمام شد..... ۱۲۵
۵-۱۲- داستان بلند غریبه در شهر..... ۱۲۷
۵-۱۳- داستان ترس و لرز..... ۱۲۸

۵-۱۳-۱- قصه اول..... ۱۲۹
۵-۱۳-۱-۱- شعر گونگی..... ۱۳۰
۵-۱۳-۲- قصه دوم..... ۱۳۰
۵-۱۳-۳- قصه سوم..... ۱۳۱
۵-۱۳-٤- قصه چهارم..... ۱۳۱
۵-۱۳-۵- قصه پنجم..... ۱۳۲
۵-۱۳-٦- قصه ششم..... ۱۳۲
۵-۱۷- چوب به دست های ورزیل..... ۱۳۵
۵-۱۷-۱- مسخ..... ۱۳٦
۵-۱۷-۲- کشمکش های درونی..... ۱۳٦
۵-۱۸- فیلمنامه عافیتگاه..... ۱۳۷
۵-۱۸-۱-روایت داستان..... ۱۳۷
۵-۱۸-۲- بحث..... ۱۳۸
۵-۱۸-۳- تصادف عینی..... ۱۳۹
۵-۱۹- داستان بلند تاتار خندان..... ۱٤۲
۵- ۱۹-۱- حلقه ارتباط دوم..... ۱٤۳
۵-۱۹-۲- تک گویی درونی..... ۱٤۳
۵-۱۹-۳- مازوخیسم..... ۱٤۳
۵-۱۹-٤-خودکشی..... ۱٤٤
۵-۱۹-۵- وابستگی عاطفی..... ۱٤۵
۵-۲۰- داستان دندیل..... ۱٤٦
۵-۲۰-۱- طنز در دندیل..... ۱٤۷
۵-۲۱- داستان توپ..... ۱٤۷
۵-۲۱-۱- سبک و لحن..... ۱٤۸
۵-۲۱-۲- شعر گونگی..... ۱٤۸
۵-۲۱-۳- تصادف عینی..... ۱۵۰
فصل ششم..... ۱۵۲
مقایسه سوررئالیسم در داستان های ساعدی و هدایت..... ۱۵۲
٦-۱- نقاط مشترک سوررئالیسم ساعدی و هدایت..... ۱۵۲

٦-٢- طنز سیاه..... ١٥٤
٦-٣- مسخ..... ١٥٤
فصل هفتم..... ١٥٦
نتیجه گیری..... ١٥٦
فهرست منابع..... ١٥٨
فهرست مقالات فارسی..... ١٦٠
فهرست مقالات انگلیسی..... ١٦١

چکیده

کار اصلی ما در این پایان نامه، در حقیقت بررسی سوررئالیسم(surrealism) براساس داستانهای هدایت و ساعدی است.

مکتب سوررئالیسم در اروپا، بوسیله **آندره برتون**، شاعر و منتقد اروپایی پایه گذاری شد. سوررئالیسم از مکتب دادا که برخاسته از اعتراض ها در برابر همه جنبه های فرهنگ است سرچشمه می گیرد. از ویژگی های یک اثر سوررئالیست، نوشتن خودکار، اشیاء سوررئالیستی، تصادف عینی، طنزو تضاد است که در این پایان نامه به بررسی این ویژگی های سوررئال در آثار هدایت و ساعدی پرداخته شده است.

در ایران، سوررئالیسم با بوف کور هدایت آغاز می شود. اگرچه در ایران در زمینه سوررئالیسم آثار فراوانی نداریم، اما بوف کور هدایت کافی است برای اینکه خود را در این مکتب به ثبت برساند. در واقع بوف کور، نقطه اوج پروژه های ادبی هدایت به سبک سوررئالیسم است وبعد ها ساعدی تحت تأثیر هدایت، آثار سوررئالیستی فراوانی را می آفریند و **رئالیسم جادویی**، با آثار ساعدی کار خود را آغاز می کند. نمونه کامل رئالیسم جادویی، در آثار ساعدی، مجموعه داستان **ترس و لرز** اوست.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، هدایت، سوررئالیسم، ساعدی، رئالیسم جادویی

فصل اول

۱-۱- مقدمه

پیش از مشروطیت، انواع گوناگون قصه، یعنی اسطوره، حکایت اخلاقی، افسانه تمثیلی، افسانه پریان(جن و پری) افسانه پهلوانان و... در ایران رواج داشت و به صورت حاشیه ای و مثالی در متن های ادبی کلاسیک فارسی یا مستقلاً در کتاب های قصه های کوتاه و بلند و عامیانه می آمدو محور آنها، بر حادثه ها و کارهای عجیب و غریب بود و به کلیات کارها و وقایع و حوادث و امور توجه می شد و خواننده و مخاطب را به این امور درگیر و سرگرم می کرد.

ادبیات داستانی رو به ترقی می رود و به دنبال آن با ورود فرهنگ غرب و انقلاب مشروطه در ایران، داستان نویسی رایج در کشورهای غرب، به ایران راه پیدا می کند و به جای ادبیات سنتی ایران می نشیند.

این گونه از داستان ها در ادبیات پیش از مشروطه، فراوان و بی شمار دیده می شد اما با پیشرفت فرهنگ و جامعه و انسان، ادبیات نیز تحول می یابد و دگرگونی ها و تحولاتی در ادبیات معاصر صورت می گیرد.

اهمیت تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه و هماهنگی ادبیات و هنر با این اوضاع و تلاش نویسندگان و هنرمندان در به تصویر کشیدن این تحولات، چیزی بدیهی و مبرهن است.

ورود بن مایه ها و مضامینی چون به تصویر کشیدن اندوه و زخم های درشت مردم محروم و ستم دیده، پذیرشی مقبول و عام یافت و به عنوان هنری محکم و قوی در ادبیات ایران خود را جای داد.

رمان و داستان کوتاه، وسیله ای شد برای افشاگری های سیاسی و جای خود را در بین مردم روشنفکر و نخبگان باز کرد و ادبیات از عامیانه بودن و بازاری بودن، خود را به ترقی و کمال رساند.

دایره تنگ ادبیات داستانی، درباره زندگی درباری و امیران و شاهان و صله گرفتن ها و مدح های فراوان به دایره وسیع اجتماع و مردم خود را فراگیر کرد و این گونه ادبیات داستانی رنگی دیگر به خود گرفت.

اولین داستان هایی که به زبان فارسی در ادبیات ایران نوشته شد، به علت فقر معنایی و اشکالات زیاد بنیادین، تقلیدی صرف از ادبیات غرب بود.

داستان کوتاه با ظهور جمال زاده درایران، آغاز به کار می کند، اما با ظهور هدایت ادبیات داستانی به راه درست و اصیل خود کشیده می شود و داستان های کوتاه وی، مقتدرانه و سریع خود را بر اریکه قدرت ادبیات داستانی ایران می نشاند.

ساعدی این راه را ادامه می دهد و رنگ و بوی تازه ای به این تحول ادبی می دهد. او درون مایه های داستان هایش را فقر درونی و بیرونی قرار می دهد و گاه آنها را درهم می آمیزد تا تأثیرگذار و بیدارکننده باشد.

با ظهور این دو نویسنده، مکتب سوررئالیسم(surrealism) در ایران، متولد می‌شود. در واقع هدایت با داستان بلند خود یعنی بوف کور، این مکتب را به ادبیات داستانی ایران معرفی می کند.

هدایت روشنفکر و ساعدی روان پزشک، ارواح بیمار جامعه را زیر تیغ جراحی می برند و می کوشند که محکوم کنند و اضطراب و دلهره را که در جان و پوست مردم فرو رفته است ، مورد تحلیل و بررسی قرار دهند. پس، از فانتاسم و سمبولیسم استفاده می کنند تا بتوانند به راحتی با پنبه سربیرند.

به هرروی سوررئالیسم که با سمبولیسم درهم آمیخته و رنگی از فانتاسم به خود گرفته است و تخیل و واقعیت را در هم می آمیزد، به آثار این دو نویسنده جلوه ای دیگر می دهد.

بنابراین امری ضروری است که علاوه بر درک درست از سوررئالیسم در ایران، به بررسی رگه های این مکتب در آثار این دو نویسنده پرداخته شود.

۱-۲- هدف تحقیق

در این تحقیق، سعی می شود تا علاوه بر معرفی مکتب سوررئالیسم در ادبیات غرب و همچنین، نمود این مکتب در ادبیات داستانی ایران، به بررسی و جرح و نقد سوررئالیسم در آثار هدایت و ساعدی، پرداخته شود.

همچنین از آنجا که آبشخور سوررئالیسم، اندیشه های فروید و اسطوره است، نگارنده به نقد روان شناختی و اسطوره شناختی در آثار این دو نویسنده و تفاوت سوررئالیسم در آثار آنها پرداخته است تا خواننده بیشتر با این مکتب ناشناخته در ایران، آشنا شود.

همچنین نگارنده سعی کرده است که به تشریح و تحلیل آثار هدایت و ساعدی و نقدهای گوناگون نیز گریز بزند و به نظریات و انتقادات دیگر بزرگان درباره این دو نویسنده، بپردازد.

در این پژوهش، از منابع مهم و معتبری از جمله **مکتب های ادبی** رضا سید حسینی، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر**از بهرام مقدادی، **اینست بوف کور** از م.ی قطبی ، کتاب **بختک نگار قوم** از علیرضا سیف الدینی و..... استفاده شده است.

۱-۳- بیان مسئله

موضوع این پایان نامه، بررسی سوررئالیسم در آثار هدایت و ساعدی است. بنابراین به بررسی دقیق و جزء به جزء ویژگی های مکتب سوررئالیسم در آثار این دو نویسنده پرداخته است.
نگارنده سعی کرده است، کاری شاخص و مطرح در زمینه سوررئالیسم در آثار این نویسندگان مطرح ایران را در اختیار خوانندگان این پایان نامه قراردهد.
در واقع نگارنده سعی کرده است، از منظر دیگر و موشکافانه، ویژگی های این مکتب ناشناخته ادبی در ایران را در آثار این دو نویسنده بررسی کند.

۱-۴- فرضیه ها

رئالیسم جادویی در ایران خاص ساعدی است.
پایه سوررئالیسم در این را هدایت گذاشت.
ساعدی از آثار هدایت تاثیر پذیرفته است.
همه آثار ساعدی، قابلیت کامل و جزء به جزء نقد روانشناختی را دارند.
ساعدی و هدایت، هرگز دنبال مخاطب نمی گردند.
نوشتن خودکار آثار هدایت و ساعدی را ماندگار و جاویدان کرده است.

۱-۵- پیشینه تحقیق

در ادبیات داستانی ایران، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در زمینه سوررئالیسم و بررسی این مکتب، هیچ محققی به طور جدی و به این صورت، دست به پژوهش نزده است.
به طور کلی در نقد آثار ساعدی در ایران، فقط به تحلیل سیاسی آثاراو آن هم به طور مختصر پرداخته شده است.
دربررسی آثار ساعدی، به دلیل سادگی و روانی زبان آن تنها به ظاهر آن پرداخته شده است و به عمق و درونیات آثار این نویسنده، به طور دقیق و عمیق پرداخته نشده است. همچنین به فضای

تو در توی آثار او و گره افکنی های خاص او و در کل به سبک خاص او کـه رئالیسـم جـادویی است، هیچ گونه تحلیلی نشده است.

به همین دلیل نگارنده سعی کرده است که رئالیسم جادویی در ایران را خاص ساعدی بداند و بـه بررسی آثار او از این منظر بپردازد.

تنها دو کتاب **بختک نگار قوم** از علیرضا سیف الدینی و کتاب **نقد آثار غلامحسین سـاعدی** از عبدالعلی دستغیب، درایران به نقد آثار این نویسنده پرداخته اند و در کتـاب هـای دیگـر تنهـا بـه معرفی نویسنده اکتفا کرده اند.

در مورد صادق هدایت نیز، اگر چه نقدهای رئالیستی فراوانی راجع به آثار او در ایران شده است، اما آثار سوررئالیستی اومورد بررسی دقیق قرار نگرفته است.

۱-۶- روش تحقیق

نگارنده در این رساله از روش معمول در رشته زبان و ادبیات فارسی، یعنی روش کتابخانـه ای و توصیفی، بهره گرفته است. در واقع برای گردآوری اطلاعات در این تحقیق از روش فیش برداری استفاده شده است.

درابتدای کار کتب و مقالات مختلف در زمینه نقد و تحلیل آثار این دو نویسنده و نقـد ونظریـه های مختلف درباره آثار این دو نویسـنده و بعـد از آن دربـاره مکتـب سوررئالیسـم در ایـران و ادبیات غرب و معرفی این مکتب، به کتاب های مختلف رجوع کرده و همچنین به ترجمه مقالات انگلیسی، درباره این مکتب پرداخته است و بعد از مطالعه داستان های این دو نویسنده، به بررسی و تحلیل آثار آنها از دیدگاه سوررئالیستی، روانشناختی و اسطوره شناختی پرداخته شده است.

۱-۷- مشکل تحقیق

نگارنده در این تحقیق با مشکلات کوچک و بزرگ فراوانی، روبرو شده است.

در همان ابتدای کار، یافتن آثار ساعدی دردسر ساز شد؛ چرا که بیشتر این آثار تجدید چاپ نشده بودند و به سختی از کتابفروشی های زیرزمینی میدان انقلاب تهران یافت شد و بقیه آثار ایشان با صرف وقت و هزینه زیاد از کتابخانه های شهر های مختلف تهیه گردید.

از دیگر مشکلاتی که گریبان گیر نگارنده شد، کمبـود کتـاب هـای تحلیلـی در زمینـه آثـار ایـن نویسنده بود.

همچنین از آنجا که درمورد مکتب سوررئالیسم در ایران کم کار شده است، نگارنده برای معرفی

دقیق تر این مکتب در ادبیات غرب، ناچار به ترجمه مقالات انگلیسی زیادی در این زمینه شده است.

۱-۸-معرفی سوررئالیسم

«بسیاری از محققان پیدایی موج های هنر سوررئالیستی را به دوران هایی منسوب می دانند که طی آن ها، انقلابات به شکست انجامیده، ملت ها در خمودگی فرو رفته اند، نسل های جوان دایره بهت را دور می زنند، انسان ها هیچ چشم انداز روشنی در برابر خود نمی بینند و خویشتن را بیش از پیش، اسیر جبرهای محتومی می دانند که به سبب نشناختن ماهیت آن ها خصلتی موهومی بر ایشان قایل می گردند. در اواخر قرن نوزدهم، ظاهراً سد نفوذ ناپذیری که طی آن قدرت ها دست به تقسیم مجدد غنایم زمینی میان خود زدند، ملت های اروپایی، علی رغم میل خود، فوج فوج، برای برآورده شدن مطامع سوداگران کشته شدند و این در حالی بود که یوغ بردگی مزدوری بیش از پیش گردن آن ها را می فشرد.

هنر نیز در این دوران مانند صفحه حساسی که کوچکترین تأثیرها و بازتاب های محیط را روی خود ثبت می کند، دستخوش جریان های گوناگونی شد که عمدتاً درون گرا و واقع گریز بودند.

تئوری هنر برای هنر که برای نخستین بار توسط ویکتور هوگو، بزرگترین نماینده مکتب رمانتیسم بیان شده بود و نغمه های پراکنده آن حتی از زبان نویسندگان مشهوری چون **فلوبر** نیز به گوش رسیده بود، رواج گسترده ای یافت. این تئوری، به شالوده زیبا شناسی مکتب سوررئالیسم تبدیل شد.»(دقیقیان ، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۱)

«سوررئالیسم (فراواقع گرایی)، مکتبی ادبی است که در بین دو جنگ جهانی نه تنها ادبیات، بلکه تمام هنرهای تجسمی اروپا را سخت متحول ساخت. واژه سوررئالیسم، نخستین بارتوسط آپولیز، در مقدمه ای که بر نمایشنامه سینه های تیزریاس نوشته بود، به طور جدی مطرح شد. آپولینر واژه سوررئالیسم را در ارتباط با توانایی بشر برای خلق مقولات غیر طبیعی به کار برد.»(مقدادی،۱۳۷۸ :۳۷۳)

«سوررئالیسم در درجه اول، عصیان است. این عصیان حاصل هوس روشنفکر نیست، بلکه برخوردی است تراژیک بین روح و شرایط زندگی. سوررئالیسم از نومیدی عظیم در برابر وضعی که انسان بر روی زمین به آن تنزل پیدا کرده است و امید بی انتها به دگردیسی انسانی زاده است.»(سید حسینی، ۱۳۸۵، ج۲ :۷۸۳)

از نظر تاریخی سوررئالیسم، نهضتی است که در سال ۱۹۲۰ آغاز شد و عده ای از شاعران و نقاشان را گرد هم آورد.

«اغلب این هنرمندان، قبلا جزو دادایسم بودند و همان روحیه عصیان دادا بر آنان حاکم بود. با وجود این سوررئالیست ها، با خشونت بر ضد نهلیسم دادا قیام کردند. از سال ۱۹۱۹ برتون تحت تاثیر حرف هایی بود که گاهی انسان از درون خویش می شنود، بی آنکه اراده ای در کار باشد؛ به ویژه در بین خواب و بیداری.

کشف بزرگ او شنیدن رویا ها، در حالت بیداری بود تا آن جمله های شبانه را در روز روشن بتواند تکرار کند.»(سید حسینی،۱۳۸۵، ج۲: ۷۸۶)

از ویژگی های مکتب سوررئالیسم می توان به تصادف عینی، طنز، اشیاء سوررئالیستی، نوشتن خودکار، رؤیا، امر شگفت و جادو، اشاره کرد که در فصل بعد در تحلیل داستان ها به هرکدام اشاره شده است.

«آندره برتون در بیانیه اول سوررئالیسم می گوید که انسان موجودی خیالی است و بعد از آن بیانیه **اسرار هنر جادویی سوررئالیستی** را آشکار می کند و مخصوصاً با استفاده از رؤیا و نگارش خودکار به بهره برداری از صور خیال سوررئالیستی، می پردازد وآن را بالاترین درجه استقلال فکر معرفی می کند.

پس از سمبلیسم، اگر از سبک های دیگر مانند **اورفیسم** (orphism) و **کوبیسم** (cubism) بگذریم، شاید بتوان نخستین گرایش های سوررئالیستی را در برخی از نقاشی های **پابلو پیکاسو** (Pablo picasso)یافت. پیکاسو پیش از سوررئالیست ها به عناصردیداری متضاد که با تصویر های ذهنی ارتباط تداعی کننده دارند، روی آورد.

اگرچه پیکاسو هیچ گاه، رسما به سوررئالیسم نپیوست و از بنیان گذاران کوبیسم به شمار می رود، اما بسیاری از آثار او بر سوررئالیسم اثر گذاشت و او نیز به نوبه خود، از سوررئالیسم تأثیر پذیرفت. اما در میان سبک ها مهمترین سبک هنری که از نمایش تقلیدی واقعیت دور شد، سبک **فوتوریسم** (futurism) بود که شاعر ایتالیایی به نام **فیلیپو ماریتی** (philipo marinetti) پرچم دار آن است.

فوتوریسم را می توان به جرأت، عصیانی در برابر روش زیبایی شناسی طبیعی دانست. روش زیبایی شناسی طبیعی حتی در کوبیسم نیز الگوی معتبری است. اما فوتوریست ها خواستار مبارزه با هرگونه تقلید در هنر بودند. این هنرمندان کوشیدند تا عواطف و واقعیت ذهنی را بیش از بیش

در هنر راه دهند. فوتوریست ها برآن بودند تا آنچه را در ذهن می پرورانند به نمایش بگذارند و بدین ترتیب هنر، وسیله ای برای نمایش تخیل به کار گرفته شد.

از همین جاست که نخستین نشانه های سوررئالیستی ،در بیانیه فوتوریست ها دیده می شود.» (آل احمد،۱۳۷۷ :۸۹- ۹۰)

«سوررئالیسم، اساس کار خود را برتداعی آزاد، معانی و افکار و تصاویر و نوعی خلسه و رؤیا می گذارد و می کوشد تا به خلاقیت هنری، جنبه خود بخود بدهد. اما برخلاف آنچه هنرمند سوررئالیست می پندارد، تداعی آزاد معانی و دنیای رؤیا ها هیچ یک در حقیقت، آزاد و بی قانون نیست و در آفرینش های هنری هیچ چیز صرفا خود به خود، به وجود نمی آید. تجربیات فروید و یونگ، نشان داد که دنیای ضمیر باطن و رؤیا آنقدرها هم دستخوش هرج و مرج و بی قانونی نیست، بلکه تابع سلطه آهنین الزامات و ضرورت های ناخودآگاه است.

آن گونه که میلهای پژمرده و واپس زده که به صورت عقده های روحی در آمده است و همواره راه را بر **گریز های ذهنی** و خیال پردازی ها تنگ می کند. بنابراین آزادترین و بی بند و بارترین تخیلات و توهمات، تابع انگیزه های ذهنی معینی است که علی رغم شکل واژگونه و غیرواقعی خود از واقعیت های خارجی سرچشمه گرفته است.»(پرهام،۱۳۶۲ :۱۳۸)

تومپسون در مقاله ای از زبان آندره برتون **نوشتن خودکار** را اینگونه بیان می کند: «خیلی ناگهانی و با شانس من یک اصطلاح زیبا را پیدا کردم. این اصطلاح آن چیزی است که **من هرگز ننوشته ام**. من آنها را برای خودم آرام آرام تکرار کردم؛ واژه به واژه. آنها خیلی عالی بودند و در ذهنم می آمدند و می رفتند. من یک خودکار برداشتم و سیاهرگ های کلمات در وجودم خون دوانید. یک واژه به دنبال واژه دیگر می آمد. جای درستش را پیدا کردم و واژه ها خودشان را با وضعیت تطبیق دادند و حسی بر حس دیگر افزوده شد. فعالیت آغاز شد. قلمم توانایی نگه داری و حفظ آنها را نداشت و دست هایم در جنبش دائمی بود. جملات به خوبی در من ادامه پیدا کردند و حاصل این تکاپوی درونی، نوشتن خودکار ، نامیده شد.

متن به نظر می رسد که خودش نوشته می شود برای ایجاد یک اتفاق ناگهانی و این تصادفی نیست، بلکه در دوره خشونت و خشم نویسنده زاییده می شود.» (Thompson ، 2004 : 9)

«سوررئالیسم، عصیان و شورش علیه تاریخ و انسان متمدن است. سوررئالیسم، می خواهد امواج واقعی و بدوی انسان را در آن به ارتعاش وادارد. تمامی آنچه به عنوان غرایز و خواستن ها و کشش های ابتدایی بشر است. هر چند این تسلیم بی قید و شرط هنرمند به اقتدار کورکورانه و

بی رحمانه نیروهای ناخودآگاه، حاصلی جز آنارشیسم، یا هرج ومرج طلبی فکری نخواهد داشت؛ اما از دید هنرمند سوررئال، دنیا، فضای نامحدودی است که هیچ چیز آن در جای طبیعی و قرار دادی خود نمی باشد، همه چیز معلق و واژگون است و حیات هر چیز، قانون خاص خود را دارد که به قوانین عمومی نظام طبیعت وابسته نیست.»(نوری، ۱۳۸۵ : ۵۰)

در واقع مکتب سوررئالیسم بر گرفته از مکتب دادائیسم است. مکتب دادائیسم بر پایه رد اصول منطقی، اجتماعی و زیبا شناختی بنا شده بود. این مکتب در اعتراض به ایدئولوژی هایی به وجود آمد که به عقیده پیروان مکتب دادائیسم منجر به جنگ جهانی اول و متعاقب آن ویرانی های بسیاری شده بود.

پیروان مکتب دادا، احساسات خود را بر با واژه(rien)که در فرانسه به معنی هیچ است، بیان می کردند که در دال بر پوچ گرایی آنان است.

«آندره برتون که خود در جریان دادائیسم سهمی داشت. او در دل تاریک خانه آن چراغی روشن کرد. زمانی که به سال ۱۹۲۴ آخرین شعله های دادائیسم فرو کش کرد. سوررئالیسم با جرقه های این شعله ها فروزان شد. برتون در این سال نخستین بیانیه سوررئالیستی را منتشر کرد و درباره سوررئالیسم چنین نوشت: « سوررئالیسم ، جریان خودکاری محض نفسانی که به یاری آن به بیان فرایند راستین اندیشه، به صورت گفتاری یا نوشتاری و یا هر گونه شیوه دیگر، همت گماشته می شود.

املاء اندیشه آزاد از هرگونه کنترلی که عقل اعمال می کند، مستقل از هر دل مشغولی جمال شناختی و یا اخلاقی.

اما سوررئالیسم عملا چنین راهی را نپیمود و به زودی از عقل ستیزی که یادگار دوران دادائیسم بود، دست برداشت.»(آل احمد،۱۳۷۷ :۹۱-۹۲)

«روندی که هنرمندان سوررئالیست پیش گرفتند آندره برتون را واداشت تا سرانجام بعد از ۵ سال در سال ۱۹۲۹ دومین بیانیه ی سوررئالیسم را منتشر سازد.

برتون در این بیانیه مدعی شد که اساس سوررئالیسم با زیبایی شناسی تباین دارد.

سوررئالیست ها با تجربه ای که از سبک های دیگر به دست آورده بودند، زیبایی شناسی هنری را که زاییده تخیل ابتکاری است ، اساس کار خود قرار دادند.

مهمترین ویژگی سوررئالیسم آن بود که تخیل در این سبک، مرزی داشت و تا آنجا مورد استفاده قرار می گرفت که می شد به آن صورت عینی بخشید. بدین ترتیب سوررئالیسم از ذهنیت گرایی محض و انتزاع گرایی پرهیز می کند و همچنانکه با یک دست، واقعیت را از خود می داند، با